

باسمه تعالی

شبهه‌ی شفاعت

طرح شبهه:

هیچ گروهی از اهل سنت حتی وهابی‌ها منکر شفاعت نیستند. آن‌چه محل نزاع است جواز درخواست شفاعت از پیامبر (ص) و اولیاء الهی بعد از درگذشت ایشان است. پس اگر همکار ما در مصاحبه اش اصل موضوع شفاعت را نفی کرد، نشان دهنده عدم شناخت ایشان از شبهه است.

شفاعت شفیعان را فقط باید از خدا خواست زیرا پیامبر از خود، قدرتی ندارد: قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (اعراف ۱۱۸)

امر شفاعت فقط در اختیار خداست نه در اختیار پیامبر اکرم (ص) قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۴۴ زمر) پس امور عادی را می‌توان از دیگران درخواست کرد اما شفاعت چون فقط وابسته به رضایت الهی است، نمی‌توان آن را از کسی جز خدا درخواست نمود.

نبض‌گیری

آیا به اصل شفاعت اعتقاد داری؟ آیا مسلمانان در زمان پیامبر حق داشتند از ایشان درخواست شفاعت کنند؟

پاسخ شبهه:

مرحله‌ی اول؛ اصل شفاعت نه تنها برای پیامبر اکرم ثابت است بلکه شفیعان دیگری هم وجود دارند: يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا (۱۰۹ طه) - مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ... (۲۵۵ بقره) و حدیث

مشهوری هم در این باره هست که بالای ضریح رسول اکرم (ص) نگاشته شده است؛ انس بن مالک از رسول اعظم (ص) نقل کرده که ایشان فرمودند: «شفاعتی لاهل الکبائر من امتی» این حدیث هم در صحیح ابوداود آمده (حدیث شماره ۴۷۳۹) هم در صحیح ترمذی نقل شده (حدیث شماره ۲۴۳۵) و هم در مسند احمد نقل شده است. (حدیث شماره ۱۳۲۲۲)

مرحله‌ی دوم؛ معنا و کارکرد شفاعت چیست؟ کسی که از خداوند دور شده است و درخواست او از جانب حق تعالی اجابت نمی‌شود، اگر مشمول شفاعت یکی از محبوبین خداوند تعالی قرار بگیرد، خداوند از گناه او درخواهد گذشت. این شفاعت فعل اختیاری رسول اعظم (ص) است.

حال اگر کسی خودش از مقربان درگاه الهی است و دعایش پذیرفته می‌شود، دیگر نیاز به طلب این شفاعت ندارد! یعنی معنا ندارد کسی چنین دعایی کند: خدایا چون من گناهکارم و تو دعای مرا قبول نمی‌کنی، پس دعا می‌کنم که پیامبر را شفیع من قرار بدهی تا به علت شفاعت او، دعای مرا قبول نمایی!!!

مرحله سوم؛ آیا درخواست کردن از دیگران، شرک است؟ فرض کنیم که پیامبر نمی‌تواند خودش تصمیم بگیرد که کسی را شفاعت کند، آیا درخواست از ایشان، کاری بیهوده است یا کاری شرک آلود؟ چه دلیلی بر شرک بودن این کار داری؟

مرحله چهارم؛ هم شفاعت وابسته به رضایت و اذن خداست هم همه امور دیگر. درمان پزشک و تاثیر دارو هم بدون اذن خداوند محال است. هیچ کس مستقلا نمی‌تواند هیچ کاری بکند زیرا لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. این که بگوییم شفاعت در اختیار خداست اما پول دادن و درمان کردن و خانه ساخت و وابسته به اراده انسان‌هاست، خودش نوعی شرک است! هیچ کاری در عالم، مستقلا از هیچ انسانی سر نمی‌زند. اگر دارویی موجب شفا می‌شود، هم تجویز پزشک مستقل از قدرت الهی نیست و هم تاثیر دارو، باذن الله است.

می‌توان از پزشک درخواست کرد که مرا درمان کن و این درخواست شرک نیست زیرا توجه داریم که پزشک مستقل از خدا کاری نمی‌کند پس درخواست شفاعت هم جایز است و هیچ شائبه شرکی ندارد.

شبهه اهل سنت در ایران

طرح شبهه: به علت فعالیت رسانه‌ای دشمنان وحدت اسلامی، در ذهن برخی از مسلمانان، سوالات و شبهاتی پیرامون وضعیت اهل سنت در ایران وجود دارد. این پرسش بر اساس ملیت مخاطب و بر اساس اعتقادات فردی او، می‌تواند به شکل پرسشی عادی و یا پرسشی تهاجمی مطرح شود.

شکل نخست: پرسش عادی

آیا در ایران اهل سنت وجود دارند؟

آیا اهل سنت ایران دارای آزادی مذهبی هستند؟

آیا در ایران مساجدی مخصوص اهل سنت وجود دارد؟

شکل دوم: شبهه تهاجمی افراطی

حکومت شیعه ایران، دشمن اهل سنت است. به همین دلیل اهل سنت ایران را می‌کشد و مساجد آنها را تخریب می‌کند.

اهل سنت ایران از حداقل حقوق انسانی خود مثل آزادی‌های مذهبی، بی‌بهره هستند.

نبض گیری:

در نبض گیری باید متوجه شد که آیا ذهن مخاطب نسبت به وضعیت اهل سنت در ایران، دچار مسمومیت شده و یا این که مخاطب تنها یک سوال عادی را مطرح نموده و بدون پیش داوری، تنها به دنبال یافتن برخی اطلاعات است؟ اگر مخاطبی دارای تعصب و موضع تهاجمی بود، باید ابتدا مراحل مربوط به پاسخ به شبهه تهاجمی را طی نمود و سپس به مراحل مربوط به شبهه عادی وارد شد.

پاسخ نامناسب:

باید توجه داشت که سوال مخاطب ناظر به واقعیت خارجی و شرایط موجود در کشور ایران است و نه ناظر به قوانین ایران و یا حتی موضع گیری های مقامات ایرانی درباره اهل سنت. در برابر چنین مخاطبی، اگر به قوانین ایران اشاره شود، فایده ای برای مخاطب ایجاد نخواهد شد بلکه نهایتاً این ثمره ایجاد می شود که مخاطب تصور کند که در قوانین ایران، حقوق اقلیت ها مورد احترام است اما دولت ایران در حال حاضر، برخلاف قوانین عمل کرده و حقوق اهل سنت را به رسمیت نمی شناسد.

پاسخ مفید و موثر به پرسش عادی:

مرحله اول؛ تحلیل انگیزه اختلاف افکنی بین مسلمین

تقریباً ۸۵ درصد مردم ایران شیعه هستند و حدود ۱۵ درصد هم از مذاهب شافعی و حنفی می باشند. دیگر ادیان مانند مسیحیت و یهودیت و دین زرتشتی، اقلیت های بسیار کوچکی به حساب می آیند. بعد از انقلاب ایران، دشمنان مسلمین خیلی تلاش کرده اند که بین ما مسلمانان، دشمنی ایجاد کنند تا مبادا دیگر کشورهای اسلامی هم، تبدیل به دشمنان اسرائیل و آمریکا شوند.

از سمت دیگر، در حال حاضر، اکثر رسانه‌ها در اختیار دشمنان ما هستند پس کاملاً عادی است که محتوای تولید شده توسط دشمنان، در راستای ایجاد اختلاف بین ما باشد. این مساله لزوم هوشیاری ما در برابر این توطئه‌ها را بالاتر خواهد برد.

مرحله دوم؛ ایجاد همدلی

فرصت حج، بهترین زمان است برای ارتباط مستقیم مسلمین با یکدیگر و این هدیه بزرگ الهی، می‌تواند خنثی کننده فتنه‌های دشمنان ما باشد. همین مساله که من و تو - که در قرآن، برادر یکدیگر نامیده شده‌ایم^۱ - الآن با هم ملاقات کرده و درباره مسایل جهان اسلام گفتگو می‌کنیم، معجزه حج است. من خودم دوستانی از اهل سنت دارم که با یکدیگر روابط مختلف کاری و دوستانه داریم و الآن خیلی خوشحالم که یک دوست جدید از اهل سنت پیدا کرده‌ام.

بهترین راه برای شناخت یک جامعه، حضور در آن کشور است. اگر امکانش را داری، حتماً به ایران بیا و زندگی مردم ایران را از نزدیک ببین تا بتوانی روابط واقعی موجود بین شیعیان و اهل سنت ایران را درک کنی. بسیاری از توریست‌های خارجی و غربی که به ایران می‌آیند، می‌فهمند که متأسفانه اطلاعات آن‌ها درباره ایران، بسیار ناقص و غلط بوده است.

مرحله سوم؛ اثبات برادری شیعه و اهل سنت

اگرچه اطلاعات موجود در رسانه‌ها، همیشه تحت تاثیر دشمنان وحدت اسلامی است، اما در برخی از موارد در همین رسانه‌ها هم اطلاعاتی وجود دارد که پرده از حقیقت برمی‌دارد. حتماً شما هم از تهاجم اسرائیل به غزه اطلاع داری. همه مردم غزه از اهل سنت هستند. در منطقه غرب آسیا و برای کمک به مردم غزه، فقط مجاهدین لبنانی و یمنی و عراقی اقدام به درگیری با اسرائیل نمودند و تنها کشوری که جرات کرد حمله موشکی علنی به اسرائیل انجام بدهد، کشور ایران بود. همه این مجاهدین دارای مذهب شیعه هستند و ایران هم یک کشور شیعه است.

اگر ما شیعیان با اهل سنت دشمن بودیم، آیا ممکن بود برای حمایت از اهل سنت فلسطین، وارد درگیری شده و شهید بشویم و سال‌ها تحت تحریم آمریکا و غرب زندگی کنیم؟ در غرب آسیا اکثر کشورها و مسلمانان، از اهل سنت هستند اما همگی یا در حال کمک به آمریکا و اسرائیل‌اند و تجارت گسترده و ارتباطات سیاسی علنی و رسمی با اسرائیل دارند و یا ساکت نشسته و هیچ کاری نمی‌کنند.

^۱ - انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم واتقوا الله لعلکم ترحمون (حجرات ۱۰)

مرحله چهارم؛ معرفی شرایط اهل سنت در ایران

مسلمانان ایران شیعه و حنفی و شافعی هستند. در شرق و شمال شرقی ایران حنفی‌های زیادی وجود دارند و در غرب و جنوب هم شافعی‌ها هستند. اهل سنت نه تنها مساجد متعددی دارند بلکه سرانه مساجد اهل سنت از سرانه مساجد شیعه بسیار بیشتر و نزدیک دو برابر است. یعنی در حدود ۳۰ درصد از مساجد ایران، متعلق به اهل سنت است در حالی که اهل سنت تنها ۱۵ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند! علت اساسی این امر آن است که اهل سنت علاقه دارند مساجد را به شکل ساده‌تر و کوچک‌تر بسازند اما تعداد مساجد را بالا ببرند تا دسترسی به مساجد، راحت‌تر باشد اما در بین شیعیان، معمولاً تلاش می‌شود که مساجد به صورت باشکوه و بزرگ و دارای تزیینات زیاد بنا گردد و این موجب شده که سرانه مساجد شیعه، کمتر باشد.

در شهرهایی که اهل سنت در آن‌ها حضور چشمگیری دارند، نماز جمعه‌های اهل سنت بسیار پرشکوه برگزار می‌شود. مثلاً در تهران چندین نماز جمعه بزرگ اهل سنت وجود دارد که در مساجد سنی، اقامه می‌گردد.

در قبل از انقلاب اسلامی در ایران، هیچ مدرسه علمیه اهل سنت وجود نداشت و تمام جوانان سنی ایرانی، برای تبدیل شده به یک عالم دینی، مجبور بودند به کشورهای دیگر سفر کنند. اما با استقرار حکومت اسلامی در ایران، مدارس متعدد اهل سنت ایجاد شد و خود علمای سنی، این مدارس را اداره می‌کنند. در تمام این مدارس، طلاب دینی اهل سنت همانند طلاب دینی شیعه، توسط دولت ایران به شکل مجانی بیمه شده و ماهانه هم از دولت، کمک هزینه تحصیلی می‌گیرند. امروزه هزاران نفر از جوانان سنی غیرایرانی، در کشور ما مشغول تحصیل فقه اهل سنت هستند.

در شهرهایی که اکثریت جمعیت از اهل سنت باشد، همواره نمایندگان سنی در انتخابات رای آورده و به مجلس ملی راه یافته‌اند به همین دلیل است که همیشه، در حدود ۱۵ درصد از نمایندگان مجلس ایران، از اهل سنت هستند. اهل سنت مسولیت‌های مختلفی مانند معاونت رییس‌جمهور یا سفارت و یا استانداری را بر عهده داشته‌اند و الآن فرمانده نیروی دریایی ارتش ایران هم یک ژنرال شافعی است.

چون ایران یک حکومت اسلامی دارد، قوانین ایران هم بر اساس شریعت اسلامی بنا شده است. به همین دلیل اگر دو فرد شافعی درباره مسأله‌ای مثل ارث و یا طلاق، دارای اختلافی باشند، قاضی این پرونده یک فرد شافعی خواهد بود که بر اساس فقه شافعی بین آن‌ها قضاوت می‌نماید و همین‌طور هم بین احناف، فقه حنفی اجرا می‌گردد.

مرحله پنجم: اشاره به محوریت فرهنگ در ایران به جای محوریت مذهب

در ایران سه مذهب اسلامی وجود دارد اما نژادهای متنوعی در ایران هست که هر یک، آداب و رسوم خاص خود را دارند، از جمله نژاد فارس و ترک و کرد و لر و عرب و ترکمن و بلوچ. نکته مهم در ایران این است که تفاوت

اساسی بین آداب و رسوم مردم، مبتنی بر تفاوت مذهبی نبوده بلکه مبتنی بر تفاوت نژادی است. یعنی در بین کردها، هم شیعیان وجود دارند هم شافعی‌ها. در بین عرب‌های ایرانی هم هر دوی این مذاهب وجود دارند. نکته جالب این است که آداب و رسوم و فرهنگ کردهای شافعی، کاملاً شبیه کردهای شیعه است و با آداب و رسوم عرب‌های شافعی، کاملاً متفاوت است. یعنی اگر یک ایرانی از نژاد کرد را ببینی، از روی لباس و ... به راحتی خواهی فهمید که کرد است ولی امکان ندارد بفهمی که آیا شیعه است یا سنی؟

مثلاً فرهنگ چندهمسری در بین کردهای شافعی وجود ندارد اما در بین عرب‌های شافعی وجود دارد. همین فرهنگ در بین کردهای شیعه نیست اما در بین اعراب شیعه هست. یعنی پدیده چندهمسری در ایران، به مذهب مردم ارتباطی ندارد بلکه به نژاد آن‌ها مرتبط است. در بین احناف هم همین ویژگی دیده می‌شود. هم احناف و هم شیعیان بلوچ، چندهمسری دارند اما هم احناف و هم شیعیان ترکمن، چندهمسری را نمی‌پسندند.

به خاطر همین قرابت فرهنگی است که در دل یک فرهنگ واحد، ازدواج شیعه و سنی، امری عادی و رایج است. مثلاً پدر خانواده شیعه و مادر سنی است و فرزندان هم به سلیقه خودشان یا از مذهب پدر پیروی می‌کنند و یا از مذهب مادر.

مرحله ششم: اشاره به مهاجران افغان

الآن یکی از مشکلات کشور ایران، حضور غیرقانونی میلیون‌ها مهاجر افغان در کشور ایران است. اگر وضعیت اهل سنت در ایران بد و خطرناک بود، آیا امکان داشت که از افغانستان، نزدیک هشت میلیون مهاجر سنی مذهب به ایران بیایند و در ایران زندگی کنند؟ (این مرحله ممکن است در برخی از مخاطبان، مناسب نباشد و موجب ایجاد حساسیت در ذهن آن‌ها شود مخصوصاً در مخاطبان شبه قاره)

مرحله هفتم: معرفی محتوای رسانه‌ای مناسب

معرفی مستند «اهل سنت در ایران» که توسط یک خبرنگار مصری ساخته شده است. معرفی کلیپ‌هایی که اهل سنت فلسطین و مصر و ... در حال تشکر از شیعیان هستند. ارسال ویدئوهایی از حضور شخصیت‌ها برجسته کشور مخاطب، در همایش‌های بین‌المللی در ایران.

مرحله هشتم: ارجاع به حجاج سنی ایرانی

در همین حج، هزاران زائر ایرانی از اهل سنت حضور دارند. اگر دوست داری، می‌توانیم به برخی از هتل‌های آن‌ها برویم و از خودشان درباره شرایطشان سوال کنی. به ویژه این‌که در هر کاروان یک روحانی اهل سنت هم حضور دارد و می‌توانی درباره شرایط علمای اهل سنت هم از او سوال کنی.

پاسخ مفید و موثر به پرسش تهاجمی:

مرحله اول؛ ایجاد شک در صحت اطلاعات

منبع اطلاعات شما از کجاست؟

آیا خودت هرگز به ایران سفری داشته‌ای؟

آیا منابع خبری تو، از مخالفان شیعه و مخالفان ایران نیستند؟

مرحله دوم؛ لزوم توجه به همه جوانب، قبل از قضاوت

در سوره مبارکه «ص» داستانی درباره حضرت داود (ع) وجود دارد. در این داستان دو نفر برای قضاوت به حضرت داود مراجعه کردند و حضرت داود بعد از شنیدن ادعای یک طرف، قضاوتی ابتدایی داشت و گفت که درخواست طرف دوم، درخواستی ظالمانه است. اما بلافاصله متوجه خطای خودش شد زیرا قبل از شنیدن نظرات طرف دوم، قضاوت کرده بود.^۲

تو تاکنون ساعت‌ها به نظرات یک طرف دعوا گوش کرده‌ای و بدون مراجعه به نظرات شیعیان، درباره ما قضاوت نموده‌ای. این کار بر اساس آموزه‌های قرآنی، کاری نادرست است. به نظرم به عنوان یک مسلمان، باید تابع قرآن بود. یعنی درست این است که بعد از شنیدن نظرات مخالفان تشیع، در فضای مجازی، به دنبال نظرات شیعیان هم می‌گشتی تا حرف هر دو طرف را می‌شنیدی. به هر حال معجزه حج ابراهیمی من و تو را به هم رسانده تا تو این فرصت را داشته باشی که نظرات شیعیان را هم بشنوی.

مرحله سوم: اشاره به منافع دشمنان از تفرقه‌انگیزی

در شرایطی که ایران محور دشمنی با اسرائیل است، چه کسی از دشمنی شیعه و سنی سود می‌برد؟ آیا اختلاف بین ما، موجب نمی‌شود که اهل سنت مظلوم فلسطین، تنها بمانند؟ دشمنان ما همان‌طور که ادعاهای غلطی را بر علیه شیعیان

۲ - وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةً وَاحِدَةً فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجِكَ إِلَىٰ نَعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿٢٤﴾

منتشر می‌کنند، همواره ادعاهای غلطی را هم بر علیه اهل سنت نشر می‌دهند تا مردم شیعه ایران، اجازه ندهند دولتشان، به اهل سنت کمک کند. مثلاً ادعا می‌کنند که مردم فلسطین، دشمن اهل بیت هستند!

ما نسبت به این فتنه‌ها آگاه هستیم اما متأسفانه برخی از مسلمانان درگیر همین فتنه‌ها هستند. جریانات تندرویی مثل تکفیری‌ها، همیشه به دنبال این فتنه‌افروزی بوده و هستند. این افراد هرگز با صهیونیست‌ها درگیر نمی‌شوند اما شیعیان و سنی‌های بسیاری را تکفیر کرده و کشته‌اند.

مرحله چهارم: آغاز ورود به مراحل مطرح شده در قبل

به طور طبیعی بعد از طی سه مرحله فوق، باید موضع شدید و تهاجمی مخاطب، نرم شده باشد و بتوان مراحل مربوط به پاسخ شبهه عادی را برایش آغاز کرد. البته ممکن است یک مخاطب، دارای تعصب و نفرت شدیدی باشد و حتی اشاره به این مباحث عقلایی و قرآنی هم، نتواند گوش او را نسبت به شنیدن حقیقت باز کند. نسبت به این نوع از مخاطبان، بر اساس شدت تعصب آن‌ها، بهتر است موضوع بحث تغییر کند یا حتی مصاحبه تعطیل شود.